**باسمه تعالی**

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /شبهات حکمیه/معارضه/اشکال مرحوم صدر

خلاصه مباحث گذشته:

**بحث در اشکالات وارده به تفصیل مرحوم نراقی و مرحوم خویی در اختصاص جریان استصحاب به شبهات موضوعیه به دلیل معارضه دائمی استصحاب در شبهات حکمیه با اصل عدم جعل بود.**

از کلمات مرحوم صدر در ما نحن فیه نکاتی در رد معارضه مورد ادعای مرحوم خویی به دست می آید.

مرحوم صدر از جواب های مرحوم خویی به اشکال خودش جواب می دهد و معارضه استصحاب عدم جعل حرمت و عدم جعل اباحه را مستقر می داند، ولی قبل از این جواب اشکال دیگری به بیان مرحوم خویی و نراقی دارد و بعد از آن به جواب های مرحوم خویی جواب می دهد.

## اشکال پنجم (اشکال دوم مرحوم صدر): عدم تصویر استصحاب عدم جعل

استصحاب عدم جعل قابلیت جریان ندارد تا بخواهد معارض استصحاب بقای مجعول باشد، نه به سبب حکومتی که بیانش گذشت بلکه سِرّ آن این است که عرف برای حکم ورای مجعول، حقیقتی قائل نیست، بر خلاف آن چیزی که در کلمات برخی فرض شده است، بلکه عرف هر چه می بیند همان مجعول است، اما برخی مثل مرحوم محقق عراقی می گویند حکم عبارت از وجودی خارجی است که در عالم ذهن عروض آن و اتصافش در عالم خارج فرض می شود، مثل قضیه «الانسان ممکن» که انسان در خارج موجود است و امکان امری ذهنی است، بر خلاف قضیه «الانسان نوع» که انسان ذهنی است که نوع است نه انسان خارجی و بر خلاف قضیه «الانسان ضاحک» که هم انسان و هم ضاحک هر دو در خارج وجود دارند، یعنی؛ حقیقت حکم ذهنی و واقعیت آن را خارجی می دانند، و مثل این قضایا که ما بإزای خارجی ندارد؛ لا محالة عروض را در ذهن ولی اتصاف را خارجی می دانند، ایشان حکم را از این قبیل می داند که عروضش در ذهن است و اتصافش در خارج است، چرا که حکم امری اعتباری است و ما بإزایی در خارج ندارد، ولی موضوع این حکم در ذهن امری خارجی و عینی است، یعنی از این حیث که ما بإزاء ندارد ذهنی است اما از حیث وجود خارجی موضوع، خارجی و عینی است.

اما مرحوم صدر همه این کلمات را وهمی و خلط بین واقعیات و خارجیات دانسته است، یعنی در مثل قضیه «الانسان ممکن»، امکان عرضی واقعی برای انسان است نه عرضی خارجی که دارای ما بإزای خارجی باشد، لذا معروف است که واقع اوسع از وجود است، در این موارد غیر از قانونی که جعل شده است نه در نفس مولا و حاکم و مقنن با تحقق موضوع چیزی به وجود نمی آید و حکم هم به فعلیت می رسد، و نه در آن موضوع خارجی چیزی تغییر می کند، و صرفا حکم امری اعتباری است کما این که در ملکیت و زوجیت و ... امر این گونه است.

اعتباری که شارع دارد در دید عرف با تحقق موضوع پیدا می شود، در حالی که قبل از تحقق موضوع صرفا قانون بود، و بعد از تحقق، عرف آن را حادث می داند، البته مراد از این حدوث، تحقق اعتبار است نه چیزی بیش از آن، لذا ممکن است بعد از زوال موضوع (زوال تغیر در مثال آب متغیر) حکم هم تغییر کند یا این که تغییر نکند، و اگر عرف به عالم جعل ملتفت شود، برای مجعول حقیقتی نمی بیند و نمی تواند استصحاب بقای مجعول را تصویر کند؛ چرا که اگر متنبه به جعل شود دیگر حکم قابل استمرار و استصحاب نیست و عرف نمی تواند استصحاب بقای مجعول را هم تصویر کند؛ چرا که جعل قطعا قابلیت استمرار و استصحاب ندارد، مگر در موارد شک در نسخ حکم که از محل بحث خارج است که در آن جا حدوث حکم مفروض و ارتفاع آن بعد از جعل، مشکوک است، در حالی که در ما نحن فیه، یعنی؛ شبهات حکمیه، شک در اصل حدوث جعل و حکم برای صورت شک محقق است؛ این حال جعل است اما از آن جا که جعل و مجعول حقیقتی ورای یک دیگر ندارند؛ حال مجعول هم روشن می شود که مجعول هم چنین قابلیتی را دارا نیست، مگر این که عرف برای جریان استصحاب بقای مجعول، از جعل چشم پوشی کند.

باید توجه کرد که مراد از جعل عملیات جعل نیست، بلکه همان حکم منتسب به شارع است که قابلیت استمرار ندارد.

بنابراین، از آن جا که همگان استصحاب مجعول را جاری دانسته اند، نمی توان از آن غمض عین نمود و برای حفظ این استصحاب، قهرا باید از جعل چشم پوشی نمود، کما این که مرحوم نراقی و مرحوم خویی هم که مدعی این معارضه شده اند، استصحاب را در مجعول تصویر نموده اند و حتی منکرین استصحاب هم استصحاب در مجعول و شبهه حکمیه را تصویر نموده اند ولی در حجیت آن تشکیک کرده اند، و همین تصویر نشان گر چشم پوشی از جعل است.

تا این جا مرحوم صدر بر اساس اتحاد جعل و مجعول از شبهه معارضه جواب داده است، اما به نظر ایشان حتی با قول به تغایر جعل و مجعول نیز این شبهه قابل جواب است که ان شاء الله خواهد آمد.[[1]](#footnote-1)

1. . بحوث فی علم الاصول، جلد 6، صفحه 127 تا 145. [↑](#footnote-ref-1)